

نقد و معرفی کتاب: عربستان سعودی
در تقاطع قرن ها و هزاره ها (الف . ای
. واویلف)

نقد و معرفی کتاب: عربستان سعودی در تقاطع قرن ها و هزاره ها (الف . ای . واویلغ)

دکتر الف.ای. واویلغ پروفیسور آکادمی دیپلماتیک وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه در طول سال های متمادی کار در کشور عربستان سعودی مشاهدات خود را به صورت کتابی تنظیم کرده که در این مقاله گزارش کوتاهی از کتاب عربستان سعودی در تقاطع قرن ها و هزاره ها بیان می شود.

دکتر الف.ای. واویلغ پروفیسور آکادمی دیپلماتیک وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه است. این رساله براساس مشاهدات خود نویسنده در طول سال های متمادی کار در یکی از بزرگترین و شگفت انگیزترین کشورهای شرقی-عربی است، که هنوز هم برای جهان خارج، کشور ناشناخته ای باقی مانده است. این کتاب برای دایره وسیع خوانندگانی که علاقه مند زندگی معاصر شرق اند، در نظر گرفته شده است. این کتاب در هشت فصل تدوین شده است که عناوین آن ها عبارتند از:

1. کشور معجزه های اقتصادی؛
2. بازسازی (پرسترویکا) به شیوه سعودی؛
3. پول همه چیز نیست؛
4. دانایی توانایی است؛
5. راه های سعودی سازی؛
6. برابری حقوق زن با مرد: نخستین گام های این راه دشوار؛
7. جستجوی موقعیت خود در دنیا؛
8. در آستانه ورود به هزاره جدید.

در فصل اول این کتاب با عنوان "کشور معجزه های اقتصادی" به بررسی وضعیت اقتصادی عربستان سعودی در دوره معاصر پرداخته شده است. در این فصل نویسنده با بیان یک ضرب المثل عربی (در میان ما زندگی کن و بعد قضاوت) می گوید: در ذهن خواننده با شنیدن نام عربستان سعودی تصویر کشور افسانه ای ساخته می شود، که مردمانش به اندازه ای ثروتمندند، که نمی دانند با ثروت یادآورده شان چه کنند، کشوری که در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم بدهی خارجی ندارد و درگیر بحران های پی درپی نیست. چنین تصویری بیشتر آفریده ذهن روزنامه نگارانی است، که زحمت پژوهش را به خود نمی دهند و مطالب شان را در سطح ظواهر قضایا طرح می کنند. البته عربستان سعودی ظرف نیم قرن اخیر راه درازی را پیموده است. در حال حاضر این کشور با داشتن 52% ذخیره های نفتی معلوم دنیا (بیش از 14 میلیارد تن) و داشتن مقام اول، عربستان توانست ذخیره کافی ارزی اش را به منظور حفظ استقرار و ثبات، از جمله حمایت از ثبات ریال نگاه دارد (در سال 1998 6/85 میلیارد دلار در بانک های داخل کشور و 42 میلیارد دلار سرمایه گذاری شده در کشورهای خارجی). با این حال، سیاست برنامه اقتصادی پنج ساله ششم و هفتم، که به طور رسمی بالا بردن سطح زندگی مردم اعلام شده است، به جدیت دنبال شد. در سال 1999 پس از مشکلات فراوان اقتصادی ناشی از جنگ خلیج

فارس و نیز کاهش بهای نفت، میانگین درآمد هر شهروند سعودی نزدیک به 65/01 دلار در سال رسید. دولت همواره متوجه این نکته بوده، که منابع درآمد نمی‌بایست فقط نفت باشد. وزیر بازرگانی سعودی در سال 1997 استراتژی اقتصادی دولت را با اختصار چنین بیان داشت: "سیاست عربستان سعودی در سی سال اخیر مبتنی بر آن بود، که نفت یکی از منابع پایان‌پذیر درآمد است و از آن می‌بایست به عنوان عامل محرک رشد اقتصادی استفاده کرد و به هیچ وجه صلاح نیست، که این منبع به عنوان ماشین اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد."

در رسانه‌های گروهی غربی گفته می‌شد، که عربستان سعودی مخارج نظامی‌اش را پس از بحران اقتصادی 1999 کاهش خواهد داد. اما وزیر دفاع سعودی، این پیش‌بینی‌ها را به شدت رد کرد و وزیر کشور در اوت 1999 درباره استراتژی اقتصادی عربستان سعودی چنین گفت: "در دنیای امروز جا فقط برای نیرومندان است. ما به فضل و اراده خدا با ایمان خود به اسلام نیرومندیم. اما مؤمن با قدرت به مراتب بهتر از مؤمن ناتوان است. ما باید سطح درآمد مردم را در کشورمان بالا ببریم و چنان بنیاد محکم اقتصادی پی‌ریزی کنیم، که پس از خداوند در هر زمینه‌ای به آن متکی باشیم."

برنامه پنج ساله اقتصادی هفتم (سال 2000-2004) می‌بایست به این کشور به بهترین وجهی کمک کند، تا با شرایط جدید اقتصاد جهانی منطبق گردد. این شرایط را به طور مختصر چنین می‌توان مشخص کرد:

- روند جهانی شدن؛

- انقلاب فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی؛

- استفاده از علوم پایه به منظور به دست آوردن سود مادی در حالتی که رقابت در بازار جهانی و داخلی به شدیدترین وجهی جریان دارد؛

- بی‌ثباتی در بازارهای پولی، ارزی و مواد خام.

با توجه به پیش‌بینی‌ها، در ده سال آینده بهای نفت میان 15 تا 20 دلار در ازای هر بشکه در نوسان خواهد بود. به این ترتیب دولت عربستان سعودی نمی‌تواند روی افزایش درآمد از این منبع حساب کند. برای عملی ساختن برنامه اقتصادی پنج ساله هفتم، که هزینه آن از 200 میلیارد دلار تجاوز نخواهد کرد، دولت سعودی ناگزیر است منابع دیگری را از جمله سرمایه‌های ملی، سرمایه‌گذاری خارجی و همچنان استفاده منطقی و خردمندانانه از امکاناتی که طی چند دهه رشد اقتصادی ذخیره شده و یا در دسترس آن قرار دارد، جستجو کند. این مشکل را مفسر سعودی نیز درک کرده و در مکاتبه با خوانندگانش می‌آورد: جوانان ما وقتی تلویزیون می‌بینند، شرمند می‌شوند. چگونه جوامع دیگر بازرتر می‌شوند و ما همچنان بسته باقی مانده‌ایم. آن‌ها از خود می‌پرسند: چه کسانی حق به جانبند؟ دنیا یا ما؟ جوانان ما آینده را از ورای عینک‌های دودی می‌بینند. آن‌ها همه روزه از دردسرها، مشکلات و ناکامی‌هایی که در همه‌جا عرب‌ها را دنبال می‌کنند، می‌خوانند. آن‌ها همه روزه در مورد کاهش بهای نفت و پایان‌پذیری مهم‌ترین منبع درآمد کشورشان، در مورد فشارهایی که غرب بر کشورشان وارد می‌کند و حمایت غرب از اسرائیل، که در برخورد با عرب‌ها و قیحانه عمل می‌کند، می‌خوانند."

فصل چهارم کتاب با عنوان "دانایی، توانایی است" به بررسی وضعیت آموزش در عربستان پرداخته است. در اواخر دهه 60 در عربستان سعودی 3300 مدرسه، عمدتاً دبستان وجود داشت و حدود 450 هزار دانش‌آموز در آن‌ها درس می‌خواندند. در اواخر دهه 90 تعداد دانش‌جویان و دانش‌آموزان به 5 میلیون رسید. تعداد مؤسسات تحصیلی فنی و عالی از 22 هزار تجاوز کرد. در آغاز سال تحصیلی 1998-1999 تعداد استادان در تمام سطوح بیش از 360 هزار بود. بیش از 7/6

میلیارد دلار برای رشد آموزش و پرورش میان سال‌های 1982-1997 مصرف شده است. در این کشور بیش از دو هزار کتابخانه، (بزرگ‌ترین آن کتابخانه فهد است با بیش از 700 هزار جلد کتاب، یک میلیون سند، چهار هزار نسخه خطی، 42 هزار سکه‌های قدیمی، 100 هزار تمبر، 52 هزار نوار صوتی و ویدیویی و همچنان دیسک فشرده، 51 هزار میکروفیلم)، وجود دارد. ظرف سی سال اخیر برای ایجاد زمینه‌های تفریح و سرگرمی برای جوانان بیش از یک میلیارد دلار مصرف شده است. در این کشور حدود یک میلیون باشگاه ورزشی و 12 فدراسیون ورزشی، 12 باشگاه جوانان، 71 مرکز ورزش و فرهنگ، 6 ورزشگاه، دو اردوگاه دایمی جوانان وجود دارد.

جمعیت عربستان سعودی مطابق آمار رسمی 41 میلیون نفر است. به این ترتیب یک سوم جمعیت مشغول تحصیل هستند. در سال 1953 در این کشور 80% جمعیت بی‌سواد بود. در حال حاضر 31% مردان و 43% زنان بی‌سوادند. همه ساله از مؤسسات تحصیلات عالی حدود 22 هزار نفر فارغ‌التحصیل می‌شوند.

عنوان فصل پنجم کتاب "راه‌ها و موانع سعودی‌سازی" 1 می‌باشد. در این فصل به اهتمام مقامات عربستان سعودی برای سعودی کردن جامعه خود پرداخته است. علت این مسأله این است که مقامات سعودی دریافته‌اند که بایستی مردمشان را به نحوی در امور مختلف اداره جامعه مشارکت دهند و از حالت مصرف‌کننده بودن خارج شوند.

در این فصل آمده است: اگرچه رشد اقتصادی سطح رفاه مردم بومی عربستان سعودی را بالا برده و مشکل آموزش و پرورش جوانان و نوجوانان را حل کرده، اما جامعه را با مشکل جدیدی روبه‌رو کرده است. در حال حاضر حدود 5/4 میلیون کارگر خارجی با 2 میلیون اعضای خانواده‌هایشان، به طور عمده از شبه قاره هند و کشورهای جنوب شرق آسیا به عنوان کارگر و تعدادی هم متخصصان اروپایی در این کشور به سر می‌برند. لذا به طور عملی فرصت اشتغال جوانان سعودی کاسته شده و نرخ بیکاری در میان تحصیل‌کردگان جوان به 31% رسیده است. سعودی‌سازی به عنوان بخشی از سیاست دولتی به معنی تعویض کارگران و کارمندان خارجی به کارمندان سعودی است. این مشکل از آنجا بیشتر توجه برانگیز است، که نرخ سالانه افزایش نفوس در عربستان سعودی بالاتر از تمام کشورهای دیگر دنیا است. مثلاً در جمهوری عربی مصر در هر پنج دقیقه یک کودک به دنیا می‌آید، این رقم در چین هر سه دقیقه، در هند هر دو دقیقه و در عربستان هر یک دقیقه یک کودک است. (جالب است، که پس از انتشار این آمار، مصری‌ها رنجیدند و مقاله‌ای منتشر کردند که در آن ادعا می‌شد در مصر هر نیم دقیقه یک کودک به دنیا می‌آید) بنابراین در هر 71 سال جمعیت کشور به دو برابر افزایش می‌یابد و سالانه 600 تا 800 هزار متخصص از دانشگاه‌های عربستان سعودی و کشورهای خارجی فارغ‌التحصیل می‌شوند و دولت قادر به کاریابی برای همه این افراد نیست. براساس پیش‌بینی‌های دبیرکل شورای اشتغال عربستان از سال 2000 تا 2010 دولت باید برای هفت میلیون شهروند سعودی تحصیل کرده کار

Saudization.(1)

بیابد. حتی فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های عالی دینی نمی‌توانند جای مناسبی برای کار پیدا کنند. از سال 1993 تا 1999، 700 هزار نفر از سعودی‌های تحصیل کرده اشتغال یافته‌اند و به این ترتیب درصد بیکاران میان جوانان تحصیل کرده از 21% در سال 1993 به 72% در سال 1999 رسید. یکی از آشناهای مؤلف، فارغ‌التحصیل دانشگاه الفهد در رشته اداره بازرگانی تعریف کرد، که چند سال است در رشته تحصیلی‌اش کاری نیافته و ناگزیر است برای امرار معاش به عنوان تلفن‌چی در یکی از اداره‌های مخابرات کار کند.

بیکاری به طور مستقیم بر افزایش آمار جنایت کاری در کشور تأثیر می گذارد. در سال 1995 براساس آمار رسمی 4024 مورد جنایت به نام بیکاران تحصیل کرده ثبت گردیده، که این رقم 23% افزایش را نسبت به سال 1986 نشان می دهد. به منظور حل مشکل بیکاری و تعویض کارمندان خارجی به شهروندان سعودی براساس فرمان ملک فهد، کمیته عالی ایجاد گردید که می بایست مسایل مربوط به پدیده بیکاری را مطالعه، تحلیل و راه حل ها را طرح ریزی نماید. حکومت، مؤسسات خصوصی را ناگزیر ساخته است، که همه ساله نرخ اشتغال را برای شهروندان سعودی 5% افزایش دهند. عرصه هایی مشخص گردیده که در آنها به هیچ صورتی خارجی حق کار را ندارد. گذشته از آن مؤسسات خصوصی ناگزیرند در هر جا که هستند، دانشجویان مدارس محل را برای گذراندن تعطیلات تابستانی و کار تجربی بپذیرند، در نتیجه این آزمایش 57% جوانان فارغ التحصیل، که تجربه کار را در مؤسسات خصوصی داشتند، جذب شدند. با وجود همه این تلاش ها برای سعودی سازی کشور تا ماه اکتبر سال 1998 مؤسسات خصوصی برنامه سعودی سازی را فقط یک درصد توانستند تطبیق کنند. بنابراین در سال های نزدیک دگرگونی قابل ملاحظه ای را در این زمینه نمی توان انتظار داشت. مانع اساسی سعودی سازی کشور به نظر ما ارزان بودن قابل توجه نیروی کار خارجی- در واقعیت امر محروم بودن کارگران آسیایی و آفریقایی از ابتدایی ترین حقوق- است. یکی از کارفرمایان سعودی در مصاحبه با عرب نیوز گفت: چرا باید به یک نجار عرب 700 دلار پردازم، در حالی که می توانم نجار ترکی را استخدام کنم، که ماهانه 004 دلار حقوق می گیرد و دو برابر سعودی کار می کند؟ یکی از موارد دیگر نقض حقوق کارگران نپرداختن حقوق آنها است.

کارفرمایان عرب اکثر از زنان مستخدمینشان سوءاستفاده جنسی می کنند. به همین علت بود که حکومت فیلیپین در نیمه دوم دهه 90 به خانم ها و دختران فیلیپینی اجازه سفر به کشورهای خاورمیانه به ویژه عربستان را ممنوع اعلان کرد. اما در اثر بحران اقتصادی 1998 ناگزیر به لغو این موانع شد.

مهاجرت غیرقانونی مشکل دیگری را نیز بر دردهای دولت سعودی افزوده است و آن مشکل جرم و جنایت است. براساس آمار وزارت کشور از 1991 تا 1995 موارد جنایت از 6/7 به 2/51 (هزار) افزایش را نشان می دهد. با وجود همه مشکلات، کارگران خارجی در حال حاضر نیز به سوی بازارهای کار عربستان سعودی هجوم می آورند. آنهایی که به صورت قانونی می آیند، ناگزیرند از 3-6 هزار دلار برای به دست آوردن روادید کار به دلالت نهادهای کاریابی در کشورشان پردازند. بسیاری از این کارگرها یا تمام دارایی ناچیزشان را می فروشند یا از بستگان شان وام می گیرند، تا به عربستان راه یابند. آنهایی که به صورت غیرقانونی وارد عربستان سعودی می شوند، یا کسانی که پس از زیارت حج از برگشت به میهنشان سرباز زده اند، در صورت دستگیری جریمه های کلان می پردازند و یا تا شش ماه زندانی می شوند. آن عده از سعودی ها که کارگران خارجی غیرقانونی را پناه می دهند، تا نیم میلیون دلار جریمه می شوند.

یکی از پزشکان بریتانیایی به مؤلف گفت: سعودی ها خود نمی خواهند برنامه سعودی سازی عملی شود. با وجود این که در این کشور درمانگاه های فراوان با مدرن ترین وسایل و پزشکان باتجربه و ماهر وجود دارند، سعودی ها بیمارانشان را به کشورهای دیگر مثلاً بریتانیا و امریکا برای درمان می برند. آنها بدون این که دلیلی داشته باشند به پزشکان سعودی و درمانگاه های کشورشان اعتماد ندارند.

سیستم آموزش و پرورش عربستان سعودی نیز پاسخگوی نیازمندی های برنامه سعودی سازی

نیست. متخصصان ژاپنی، که بنابه تقاضای مقامات عربستان سعودی سیستم آموزش و پرورش این کشور را مطالعه کردند، به این نتیجه رسیده‌اند که بدون اصلاح در نظام آموزشی تحقق تجدید در این کشور ناممکن است. آن‌ها به عنوان یکی از راه‌حل‌های این مسأله را کاهش قابل ملاحظه ساعات دروس دینی پیشنهاد کرده بودند. علاوه بر این روش درسی در این کشور چنان است که تفکر و تخیل دانش‌آموزان رشد نمی‌کند. به ویژه تعالیم دینی فقط به حفظ قواعد و اصول دینی خلاصه می‌شود و این شیوه تدریس مشکل می‌تواند سبب دگرگونی کیفیت نتیجه آموزش و پرورش گردد. اضافه بر این، سیستم آموزش و پرورش عربستان سعودی، فاذاالتحصیلان مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها را به صورت یک‌بعدی به جامعه تحویل می‌دهد. یکی از روزنامه‌نگاران عرب در فرانسه با نوعی خجالت به مؤلف اظهار کرد که او همیشه احساس شرم می‌کرده هنگامی که برای رفع نواقص جزئی در خانه‌اش مثلاً ترمیم شیرآب، چاره‌ای جز این نداشته که به لوله‌کش زنگ بزند و او را به خانه بخواهد. حال آن‌که پسر ده‌ساله فرانسوی نیز از عهده این کار برمی‌آید. این‌که در صندوق عقب ماشین یک سعودی گاز انبر و پمپ ماشین و وسایل دیگر برای برطرف کردن نواقص جزئی باشد، خیلی عجیب و نادر است. سعودی‌ها، در صورتی که لازم داشته باشند چرخ ماشین‌شان را عوض کنند به کمک مکانیک نیازمندند در حالی که مثلاً در روسیه غیرقابل تصور است که یک راننده به محض متوجه شدن به نقصی به مکانیک مراجعه کند. سعودی‌ها متوجه این کمبود در سیستم آموزش و در کل در سیستم زندگی خود هستند و می‌دانند که ادامه وضع به همین منوال به سودشان نیست و اگر می‌خواهند نسل آیندشان همگام با دگرگونی‌های دنیای جدید باشد، باید شیوه زندگی‌شان را به صورت بنیادی تغییر دهند. در فصل ششم کتاب با عنوان "برابری حقوق زن و مرد: نخستین گام دشوار"، مؤلف به بررسی وضعیت اجتماعی زنان در جامعه عربستان پرداخته و محدودیت‌های موجود آنان را در ابعاد مختلف اشتغال، آموزش و ازدواج مورد بررسی قرار داده است. وی با اشاره به بسته بودن جامعه عربستان و اعمال سنت‌های قدیمی در مورد زنان می‌گوید:

زنان سعودی هنوز شناسنامه ندارند، از اینجا می‌توان اندازه محرومیت آن‌ها را از حقوق ابتدایی انسانی حدس زد. [به نظر مؤلف] مطابق احکام قرآن زن حق ندارد با مردم نامحرم تماس داشته باشد و گفتگو کند. کار در بیرون از خانه، به ویژه پرداختن به امور بازرگانی و تولیدی ناگزیر از ایجاد گفت‌وگو، ملاقات و مذاکره را می‌کند. لذا زنان برای این‌که به کار بازرگانی بپردازند، بایستی اجازه کتبی شوهر، پدر، برادر و یا کسی دیگر از محارمشان را داشته باشند، که این خود نوع دیگری از کنترل زنان و نقض حقوق و آزادی‌های طبیعی انسانی آن‌ها است. بدون چنین اجازه‌ای زن حتی حق مسافرت را ندارد. یک بار زن نود ساله‌ای را که با نوه‌اش می‌خواست به اروپا برای دیدن پسرش برود، برای چند روز معطل کردند. از وی می‌خواستند تا مطابق قوانین عربستان سعودی اجازه کتبی شوهر، پسر و یا بالاخره پدرش را به مأموران مرزبانی نشان دهد. شوهر پیرزن مدت‌ها پیش فوت کرده بود پسرش در اروپا بود و اما در مورد پدرش چه می‌توان عرض کرد. دختران تحصیل کرده که در مؤسسات دولتی یا خصوصی کار می‌کنند مشکلات ویژه خود را دارند. معمولاً چنین افرادی در یافتن شوهر توفیق چندانی ندارند. از یک سو معیارهایی که آنان دارند برای مردان سعودی قابل تحمل نیست که از سوی دیگر ازدواج با این دختران از جانب خانواده، پدر و مادر و خویشاوندان بی‌شمار به خوبی استقبال نمی‌شود و مرد جوان ناگزیر است نقطه‌نظرهای همه اینها را در نظر گیرد. از این روست، که در جامعه مرفه عربستان سعودی هنوز هم حدود 3% زنان و دختران بی‌سوادند. وقتی زنان و دختران برای گرفتن گذرنامه به اداره‌های مربوط مراجعه می‌کنند، ناگزیرند به بخش ویژه‌ای که خاص زنان است بروند.

تعداد ازدواج برا مردها مشکل دیگر دختران و زنان عربستان سعودی است، این پدیده برخلاف دیگر کشورهای مسلمان در عربستان سعودی رو به کاهش نیست. در حال حاضر عربستان سعودی در میان تمام کشورهای اسلامی از لحاظ آمار طلاق جای اول را دارد. 33% ازدواجها در این کشور منتج به طلاق می‌شود.

کاریابی برای زنان در دسر دیگر این جامعه است. از یک سو تعداد دختران تحصیل کرده ناچیز است و از سوی دیگر خودخواهی‌های مردان سعودی سبب شده موانعی در راه اشتغال ایجاد گردد، کارفرمایان ترجیح می‌دهند از خانم‌های خارجی که توقعات کمتر دارند و حقوق کمتر می‌گیرند، استفاده کنند.

تلاش در زمینه ارایه آزادی‌های ابتدایی برای زنان در عربستان سعودی مشهود است. اما آن‌هایی که می‌خواهند به تحول در این زمینه دست یابند، می‌بایست راه درازی را پشت سر بگذارند.

عنوان فصل هفتم کتاب "در جستجوی موقعیت خود در دنیا" می‌باشد. در این فصل با توجه به تحولات نظام بین‌الملل و فرآیند جهانی شدن به بررسی وضعیت سیاست داخلی و سیاست خارجی عربستان سعودی پرداخته شده است.

روند هم‌گرایی، که در روابط بین‌المللی جهان معاصر با شتاب در حال رشد است، عربستان سعودی را نیز کنار نگذاشته است. این کشور، که تا همین اواخر نقشش فقط در منطقه محدود بود، در حال حاضر در مدار سیاست جهانی قرار گرفته است و می‌کوشد در بسیاری از مسایل جهانی از جمله جهانی شدن سیاست و اقتصاد دنیا، حفظ ثبات و امنیت در جهان معاصر، دفاع از محیط‌زیست، مبارزه با تروریسم جهانی و قاچاق مواد مخدر و غیره مطرح باشد. مقامات سعودی با ارزیابی مسایل جهانی و تبیین مواضع خود در قبال تحولات سیاسی و اجتماعی جهانی، به دیدگاه‌های مختلف حرمت گذاشته و هم‌زمان با آن سعی می‌کنند تا مواضع این دولت در راستای سیاست داخلی، منطبق با احکام قرآن باشند.

روند جهانی شدن، مانند تمام پدیده‌های مدرن دیگر، که ریشه غربی دارند، مسأله‌ای نیست که در جامعه عربستان سعودی به گونه‌ای همسان استقبال شده باشد. یکی از بازرگانان معروف سعودی در این رابطه می‌گوید: ما مبتکر جهانی شدن نبودیم، ما را به این جریان کشانیدند. اکنون "جهان سوم" ناگزیر شده با واقعیت‌های جدید کنار بیاید و این ما را ناگزیر به دفاع از خود می‌سازد. در فتوای شورای عالی علمای دینی عربستان سعودی در دسامبر 1999 خط انزواگرایی صریح‌تر از این بیان شده است. در این فتوا آمده بود که مسلمانان نمی‌بایست در تجلیل هزاره سوم مسیحی شرکت کنند به آن دلیل که حلول سده پانزدهم اسلامی در دنیا از جانب هیچ‌کسی تجلیل نشد.

هم‌زمان با این گروهی نیز وجود دارند، که می‌خواهند عربستان سعودی پایه‌پای زمان گام بردارد. ولیعهد عربستان سعودی امیر عبدالله در اجلاس سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی در دسامبر 1997 در تهران گفت: در زمان رشد سرسام‌آور وسایل ارتباطاتی، منزوی بودن، مجاز نیست.

دولت سعودی برای نرم ساختن قواعد و مقرراتی که از زمان بنیان‌گذار این دولت یعنی ملک عبدالعزیز بن سعود وجود داشت، تلاش‌هایی می‌کند. در نتیجه این تلاش‌ها آهسته آهسته نفوذ و صلاحیت پلیس مذهبی در کشور محدود گردیده است. گفتنی است، که اداره پلیس مذهبی با نام پرادعا و بلند بالای امر به معروف و نهی از منکر که براساس فرمانی از بیست سال به این سو فعالیت می‌کند، در آخر 1999، 450 اداره و نمایندگی در تمام کشور داشت و تعداد

کارمندان آن به چهار هزار نفر می‌رسید. به طور کلی نفوذ دین در جامعه به اندازه‌ای است که هیچ امری در زندگی شخصی شهروندان این کشور در خارج از دایره نفوذ آن باقی نمانده است. به طور مثال، امام مسجد مکه با جدیت تمام به مؤمنان توصیه کرد: کمتر بخندید، زیرا خنده حاکی از بی‌دردی، سست باوری و فراموشی مرگ و روز محشر است. برای به کرسی نشاندن این نظرش از پیغمبر اسلام نقل قول کرد که اگر بر آنچه من می‌دانم آگاه بودید کمتر می‌خندیدید و بیشتر می‌گریستند.

پیشرفت علوم و فن‌آوری حتی گروه‌های محافظه‌کار عربستان سعودی را ناگزیر ساخته تا با شرایط جدید کنار بیایند. در اوایل دهه 90 سده گذشته امام مسجد مکه با کمال جدیت اعلان کرد، که زمین هموار است، نه کروی. با این حال گروه‌های معینی به ویژه در خانواده آل سعود وجود دارند که می‌کوشند سیمای کشور را تغییر دهند و آن را مطابق با اقتضات زمان همگام سازند. به وجود آمدن شورای مشورتی در امور مملکتی، که بنا به دستور از بالا ایجاد شده است، یکی از نمونه‌های درک پرورت تغییر در این جامعه است. هرچند خود شورای مشورتی نیز خالی از مشکل نیست. مثلاً اعضای این شورای مشورتی از جانب مردم انتخاب نمی‌شوند، بلکه از بالا انتصاب می‌شوند رئیس این شورا در مصاحبه‌ای با روزنامه الحیات گفت که سیستم انتخابات با شرایط عربستان سعودی از آن لحاظ هم‌خوانی ندارد، که براساس آن به شورا به جای "بهترین"، ثروتمندترین‌ها راه می‌یابند و از سوی دیگر چنین سیستمی پیوندهای قبیله‌ای را که پاسخگوی نیازمندی‌های عصر حاضر نیست، نیرومندتر می‌سازد. به عقیده معاون این شورا، سیستم انتصابی بهترین سیستم ایجاد شورا است. دموکراسی غربی و انتخابات، فقط وقت و پول را هدر می‌دهد. با وجود آن که این شورا حیثیت حقوقی دارد، اما صلاحیت‌های آن چنانکه از نامش هویدا است فراتر از مشورت دادن نیست. اعضای این شورا از دودمان آل سعود نیست، اما کسانی که عضویت را در آن به دست می‌آورند، با دقت کنترل می‌شوند تا فقط کسانی به آن راه یابند که بی‌چون و چرا جانبدار و سرسپرده سلطنت باشند.

کار شورا به گونه بی‌رحمانه‌ای توسط رسانه‌های گروهی عربستان سعودی مورد انتقاد واقع می‌شود. روزنامه‌ها آن را به سستی، بیکارگی، فقدان ابتکار و کندروی متهم می‌کنند. البته در بسیاری از موارد مشکل است، با این روزنامه‌نگاران توافق نکرد. در آغاز این شورا 8 کمیسیون داشت اما در سپتامبر 1999 به منظور سرعت بخشیدن به کار و نتایج آن سه کمیسیون دیگر به آن افزوده شد.

سیاست خارجی عربستان سعودی نیز همیشه از جانب شهروندان آن به گرمی استقبال نمی‌شود. مثلاً هنگامی که در اواخر قرن بیست روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران یعنی کشوری که شیعه‌ها در آن قدرت محوری را در دست دارند، گرم شد بخش محافظه‌کار و متعصب عربستان سعودی از این حادثه خشمگین شدند و دست به تظاهرات خیابانی زدند.

به طور کلی می‌توان گفت که عربستان سعودی از یک سو می‌خواهد از کاروان بشریت عقب نماند و از سوی دیگر اصول دین اسلام را، که سنگ بنای وحدت و موجودیت این جامعه است، حفظ کنند. ولیعهد سعودی امیر عبدالله در ماه ژوئن 1999 در طایف گفت: ما باید در اندیشه و عمل خود را آماده برای نقش جدیدی بسازیم، که مرحله جدید پیشرفت بشری، شرایط جدید بازار جهانی و بلوک‌های بزرگ اقتصادی از ما تقاضا دارد. همزمان با این، ما نباید از اصول اسلامی که ساختار جامعه ما بدان استوار است، صرف‌نظر کنیم. در میان خانواده سلطنتی نیز اختلاف نظر سیاسی فراوان به چشم می‌خورد. مثلاً اکنون از 63 شاهزاده، چهار تن از آن‌ها، طرفدار پادشاهی مشروطه‌اند و رادیکال به حساب می‌آیند. به همین دلیل آن‌ها به دربار راه

ندارند.

در فصل هشتم کتاب با عنوان "در آستانه ورود به هزاره جدید" به امور ضروری که عربستان سعودی در هزاره سوم میلادی با آنها مواجه است و یا خواهد شد، پرداخته شده است. در این فصل آمده است:

عربستان سعودی به سده و هزاره جدید تاریخ بشریت، با چمدان موقری وارد می‌شود اندوخته هنگفت اقتصادی، سیستم معتنابه پرورش متخصصان و تثبیت موقعیت و مقام خود به عنوان کشوری که توانایی رشد مستقلانه و باثبات را دارد، اما مسایلی که با آن عربستان سعودی در سده جدید روبرو خواهد بود، کمتر از مسایل سده گذشته نیست، تازه این مسایل شباهتی به آنچه در گذشته بود نخواهد داشت. مهم‌ترین این مسایل مدرن‌سازی تمام عرصه‌های زندگی داخلی کشور، پیدا کردن و احراز موقعیت مناسب در سیستم روابط جدید بین‌المللی می‌باشند. و با وجود ثروت هنگفت ناشی از منابع نفتی، این کشور نتوانسته است به اندازه بایسته و شایسته به مرحله جدید رشد پس از مرحله صنعتی 1 نزدیک شود و فاصله میان دو جهان را از لحاظ فن‌آوری و اطلاعات بپیماید، که خود این فاصله از بقایای مناسبات استعماری در آسیا است. البته جهش این کشور به سوی پیشرفت در بسیاری عرصه‌های دیگر از یک کشور عقب مانده نیمه فئودالی با سیستم قبیله‌ای به یک کشور پیشرفته، ثروتمند، دارای وزن سیاسی قابل ملاحظه نه تنها در منطقه بلکه در جهان قابل انکار نیست.

سعودی‌ها با خریداری وسایل فنی پیشرفته، فن‌آوری معاصر، به کمک خارجی‌ها ایجاد مؤسسات جدید و مجهز، اتوبان‌ها، شرکت‌ها و غیره به ارزش میلیاردها دلار به دست آمده از فروش نفت ناگهان متوجه شدند، که هنوز دنیا به سوی آنها به عنوان مردمی (1). Postindustrial می‌نگرند، که با فروش مواد خام طبیعی زندگی می‌کنند و کمافی السابق به وارد کردن وسایل آشپزی تا تراکتور از کشورهای دیگر نیازمندند. سعودی‌ها گذشته از خریداری تجهیزات مدرن و ایجاد مؤسسات مجهز با فن‌آوری‌های معاصر لازم داشتند، تا در کشورشان چنان بنیادی را پی‌ریزی کنند که در آینده بتوانند به صورت مستقل به دست‌آوردهایی در زمینه علم و فن‌آوری و اطلاعات برسند. سعودی‌ها به کمک متخصصان خارجی تنها آگاهی‌هایی را که برای مجری بودن لازم‌اند، به دست آوردند، نه آگاهی‌هایی که امکان ابتکار و ابداع را به آنها بدهند. به عبارت دیگر آنها به خوبی می‌توانند دستگامی ولو پیچیده را به کار اندازند، اما قادر نیستند این دستگام را تکامل دهند و به آن چیزی بیفزایند. تجربه عربستان سعودی این حقیقت را ثابت می‌کند، که قریحه مدنی از جمله تفکر و خلاقیت علمی را نمی‌توان به هیچ بهایی مانند متاعی وارد کشور خود کرد.

نکته دیگر این است که اصطلاح کشور پیشرفته در روزگار ما بار معنایی پیشین خود را از دست داده است. در دهه 70 قرن گذشته این اصطلاح به کشورهای اطلاق می‌شد که سطح تولید و فن‌آوری تولیدات آن بالا بود، حال آن‌که امروز این اصطلاح به کشورهای متعلق است، که دست‌آوردهای چشم‌گیر در زمینه‌های اطلاعات علوم پایه و علوم تطبیقی دارند و از مرحله پیشرفته صنعتی گذشته‌اند.

در روزگار ما عرب‌ها ناگزیرند بپذیرند که اسرائیل کشوری که تا دیروز نمادی از بی‌عدالتی و شر برای اعراب بود همسایه آنها است. البته پذیرفتن این واقعیت برای عرب‌ها شکست سخت روانی خواهد بود. عرب‌ها، که تا امروز سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی خود را بر مبنای دشمن انگاشتن اسرائیل می‌ساختند، پس از پذیرفتن واقعیت وجود اسرائیل به عنوان یک همسایه و یک قدرت اقتصادی-سیاسی مطرح، مجبورند در اولویت‌هایشان تجدیدنظر نمایند. تا

امروز نیز عربستان سعودی می‌کوشد، با استفاده از شعار مبارزه با دشمنان اسلام، مسلمانان و عرب‌ها را متحد سازد. اکثراً روسیه را به عنوان وارث اتحاد شوروی کمونیستی قلمداد می‌کنند و برای ثبوت حرف‌هایشان چچن، افغانستان و کوزوو را مثال می‌آورند. سعودی‌ها دلایل فراوانی دارند که از اسرائیل در هراس باشند. آنچه عربستان خود در به دست آوردنش با اتکا به نیروی نظامی-سیاسی قوی ناکام ماند، اسرائیل با وسایل کاملاً صلح‌آمیز با تکیه بر اقتصاد و فن‌آوری پویای خود می‌تواند به دست آورد و آن نقش رهبری‌کننده اقتصادی با تمام عواقب آن در منطقه است.

معلوم است که سرمایه‌گذاران خارجی علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در منطقه خاور میانه ندارند، که این سرمایه‌گذاری‌ها یا در دراز مدت حاصل می‌دهند و یا ثمردهی آن‌ها زیر سؤال است. امروز سرمایه‌گذاری بیشتر در عرصه‌های فنی و علمی صورت می‌گیرد، که هم سرمایه کمتر لازم دارد، هم سریع‌تر سود می‌دهد. نکته دیگر این‌که چنین فرصت‌ها در کشورهای پانده که ثبات و استقرار اوضاع در آن‌ها اطمینان‌بخش است. از اینجا است که عربستان سعودی مانند دیگر امیرنشین‌های خلیج فارس ناگزیر است منابع اقتصادی جدیدی را در سطح منطقه پیدا کند. امروز این کشورها چندان مایل نیستند، با شعار مبارزه مشترک بر ضد اسرائیل پول خرج کنند. آن‌ها همان‌طوری که یکی از روزنامه‌های محلی در سعودی می‌نویسد نمی‌خواهند کیسه پول برای تأمین هزینه‌های خسارات دیگران باشند.

در آینده نزدیک برای عربستان سعودی مشکل خواهد بود نفوذش را بر کشورهای عربی و امیرنشین‌های همسایه‌اش که روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شوند، حفظ کند. برای حفظ تأثیر در آینده نزدیک تنها نیروی اقتصادی و نفوذ دینی خادم حرمین شرفین کافی نخواهد بود.

مشکل عراق که در آن عربستان سعودی از خط سیاست ایالات متحده آمریکا حمایت می‌کند از مشکلات این کشور خواهد بود. از یک‌سو سعودی‌ها جانبدار حفظ تمامیت ارضی عراق‌اند، از سوی دیگر ریاض از ناحیه رژیم صدام نگران است، زیرا عراق که در انزوای کامل به سر می‌برد و تاریخ نشان داده که تجرید کامل حتی با وجود همبستگی مردم با رهبرش نمی‌تواند تداوم داشته باشد، به زودی ممکن است عکس‌العمل نشان دهد و این عکس‌العمل غیرقابل پیش‌بینی است.

عراق در کشورهای دیگر عربی به عنوان قدرت حفظ تعادل در منطقه در برابر هژمونی ایران تلقی می‌شد و به این نکته در جامعه عرب اهمیت فراوان قایل بودند.

*** اگرچه برخی از مطالب مطروحه در این کتاب، از دیدگاه یک خارجی غیرمسلمان آغشته به مبالغه شدید باشد، اما عمده مباحث قابل تامل می‌باشند. بررسی وضعیت فرهنگی و اجتماعی عربستان و مواجهه سعودی‌ها با فرآیند جهانی شدن یکی از نکات مشترک آن جامعه و جامعه ایران است. به عبارت دیگر می‌توان گفت کلیه کشورهای جهان اسلام در برابر این پدیده با یک نوع سردرگمی و بحران مدیریت مواجه شده‌اند. تامل و تفکر پیرامون این قضیه و بررسی تطبیقی برخوردها و تعاملات کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای مهم جهان اسلام مانند ایران، مالزی، اندونزی، مصر و پاکستان با فرآیند جهانی شدن حایز اهمیت و درخور تحقیق و پژوهش است.